

تصوف فلسفی از محی الدین عربی تا عطار در شرق و غرب جهان اسلام در قرون وسطی؛ توسعه

عرفان در سلسله موحدین و حفصیان

دکتر محمد رضا شهیدی پاک^۱^۱ دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول)

چکیده

پدیده تمدنی و فرهنگی عرفان و تصوف فرایندی سیاسی اجتماعی در غرب اسلامی است و دارای آثار زود و دیر تمدنی و سیاسی نظامی و فرهنگی است. این جریان انسانی از کاز فتح اندلس تا نخستین روز های سقوط جریان پیدا کرد و تنها دستاورد تمدن اسلامی در اندلس و مغرب است که هنوز این ادبیات عرفانی در بالاترین سطح مورد استفاده بین المللی در شکل مکتب عرفانی محی الدین عربی است. تصوف در غرب اسلامی سه مرحله را پیمود و به شکل نهایی در مکتب المریه و مرسیه ای اندلسی محی الین عربی و ابن سبعین ظهور کرد و جریان عرفان و تصوف در جهان را تاکنون در سایه معارف آن ها قرار دارد. از ابن مسره (۹۳۱-۳۱۹) تا ابن قسی و سپس از ابن سبعین و محی ادین عربی دور سوم و نهایی جریان تصوف در غرب اسلامی را سامان دادند. مرحله اول معارف عرفانی اخوان الصفا وارد غرب اسلامی شد و ماده اولیه فلسفه، عرفان اندلسی و مغربی را ساخت و در مرحله دوم عرفان اندلسی در ایبری در عصر مرابطین بوسیله ابی مدین (۵۱۱) توسعه یافت و توسط حرکت پیشوایی ابن قسی رقم خورد و در مرحله سوم با ششتری، شاذلی و ابن سبعین و محی الدین عربی شکل گرفت دوره سوم دوره تکامل و توسعه کمی و کیفی هم زمان مکاتب عرفانی در جهان اسلام در قرن هفتم و آغاز قرن هشتم است و خلق وجود کتبی عرفان اسلامی در شرق و غرب عالم است. محصول نهایی این مرحله که نقطه مشترک هم زمان عرفان اسلامی در سراسر جهان اسلام است تولید پارادایم ذهنی خاصی در اندیشه عرفان اسلامی با عنوان تصوف فلسفی است. از جمله پدیده های فرهنگ و تمدن اسلامی فلسفی ساختن تصوف و خلق تصوف فلسفی است. این پدیده تمدنی تا حد زیادی متأثر از اوضاع سیاسی اجتماعی جهان اسلام در شرق و غرب آن است که همزمان شاهد سقوط شهر ها در شرق و در غرب جهان اسلام بواسطه نزاع داخلی و هجوم خارجی مغول و بدست دولت های صلیبی شمال اسپانیا و حامیان اروپایی آن ها بود. در بین چهره های بانی تصوف فلسفی نام ابن سبعین و محی الدین عربی (۱۲۴۰-۶۳۸م) در خلق اثر رمزی فتوحات مکیه و فصوص در اندلس و عطار (۱۲۲۱-۶۱۸) و مولوی در ایران می درخشد. عطار با به کارگیری زبان فارسی در بیان مفاهیم صوفیانه آثار کلاسیک در عرفان و تصوف فلسفی مانند منطق الطیر را خلق کرد. او معاصر خلق شکل متکامل تصوف فلسفی در غرب اسلامی بوسیله ابن سبعین و محی الدین عربی است. زبان مشترک تصوف فلسفی شرق و غرب جهان اسلام رمز و غایت آن شناخت حقیقت مطلق است، ابن سبعین بنیانگذار تصوف فلسفی هم فلسفه خود را فلسفه حق نامید. فرضیه این تحقیق زمینه مشترک سیاسی اجتماعی مذهبی اقتصادی و کلامی پیدایش طیفی متفاوت از تصوف فلسفی در شرق و غرب جهان اسلام است که با پژوهش و معرفی تصوف فلسفی در غرب جهان اسلام و بررسی اجمالی آن در آثار عطار انجام شده است. پژوهش بررسی مجدد مقالات نویسنده در تحولات فلسفی و کلامی غرب اسلامی و تصوف و عرفان عهد موحدین و حفصیان است از سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۴ است. فایده نظری پژوهش پیدایش فلسفه اندلسی است که در کتاب مولف با همین عنوان تبیین شده است دو مکتب عرفانی شرق و غرب جهان اسلامی در پی ساختن الگویی ذهنی بودند که در صحنه تغییرات اجتماعی باحفظ اندیشه اسلامی هویت شخصیتی جوامع اسلامی را در برابر هجوم سیاسی نظامی شرق دور و غرب دور حفظ کنند و تا حدود زیادی رابزنی فرهنگی این عناصر اصلی عرفان که در وجود کتبی آن ها که میراث تمدن اسلامی است باقی مانده است. در این کار هویت بخشی به فرد و جوامع عربی و ایرانی و مغربی موفق بوده اند اما در عمل کارکرد زیادی نداشتند و جهان اسلام با تجربه سه وضعیت اندلسی در فضای نابسامان اجتماعی در میان دو هژمونی سیاسی و نظامی اقتصادی دچار فروپاشی و حال فقدان و عدم در زمینه های مختلف زندگی روزمره شد.

واژه های کلیدی: عطار، مولانا، ابن سبعین، محی الدین عربی، تصوف فلسفی، حفصیان، منطق الطیر، ادبیات عرفانی و تصوف

مقدمه: اوضاع سیاسی اقتصادی فرهنگی جهان اسلام - تجربه هم زمان سه وضعیت اندلسی، سیاست و تصوف:

سه وضعیت اندلسی در ماورالنهر با سقوط خوارزمشاهیان و حاکمیت مغول و ملوک الطوایف در منطقه اسبای میانه و در جزیره و بین النهرین با سقوط بغداد و دوره تازه ملوک الطوایف در غرب اسبیا و در شبه جزیره ایبری با سقوط موحدین و آغاز دوره سوم ملوک الطوایف در جنوب اروپا در ایبری که حلقه ای از دول کوچک اسلامی و مسیحی در کنار قدرت های بزرگ مدعی امپراطوری سراسر دنیای اسلامی را فرا گرفت که کارهای خود را با واسطه دولتک های کوچک انجام می دادند... بیماری فراگیر و پیدایش دولت های مسیحی شمال اندلس در مدیترانه غربی و غارت سواحل دول مغربی و افریقیه بوسیله ناوگان پرتغال و اسپانیا و حضور اروپا در اب های میترانه غربی و نزاع داخلی دول اسلامی عربی مغربی اندلس در حال احتضار قرار گرفت و شهرهای اسلامی اندلس به تدریج در معرض سقوط قرار گرفتند اپیدمی وبا سراسر مدیترانه را فراگرفت و شهرهای اندلسی و مغربی چند بار مرگ و میر ناشی از بیماری فراگیر و عوارض آن را را تجربه کردند و در شرق اسلامی هجوم صلیبی و مغول ایران و جزیره و شامات را در حالت نابودی قرار داد و حال انحطاط و سقوط در عدم بر سراسر جهان اسلام مستولی شد. در این وضعیت مشابه اندلسی دول محلی همواره با کمک دول بزرگ صلیبی و مغول در حال تخاصم بودند. و جنگ دائمی در بسیاری از مناطق در جریان بود و فقط در نقاط حاکمیت قدرت های بزرگ آرامش نسبی بقرار شد. در مقاله وضعیت اندلسی و کتاب تاریخ سیاسی اندلس و تاریخ ملوک الطوایف و گردش قدرت در اندلس به این مطلب پرداخته شده است. وضضعین اندلسی مانند ویروسی مضمن تغییرات نامناسی در آینده سیاسی اجتماعی دنیای اسلام ایجاد کرد و حتی مصر مملیک که بوسیله سلسله مملوکی حفظ شد از بحران جهان اسلم و پیشروی بی امان مغول و صلیبی به تدریج دچار فروپاشی اقتصادی شد و چند قرن طول کشید تا با ظهور قدرت های بزرگ منطقه ای در جهان اسلام جوامع اسلامی تجدید قوا کردند. توسعه جریان ادبیات تصوف و عرفان در این شرایط از پدیده های اجتماعی و تاریخی جهان اسلام است. ادبیات تصوف و عرفان در شرق و غرب دنیای اسلام تنها تولیدات محلی و اصیل ملل مسلمان در حوزه متفرق امپراطوری درهم شکسته اسلامی است. مسئله پژوهش حاضر طرح دول منشا این ادبیات و تعیین میزان اثار کمی و کیفی ذهنیت عرفان و تصوف اسلامی در خط مشی سیاسی دول اسلامی و میزان موفقیت آن است. فرضیه پژوهش ارتاط مستقیم و مستحکم سیاست و تغییر اجتماعی با عرفان و تصوف در دنیای اسلام است که نمونه های متعدد در قرون وسطی خلق کرده است.

۱- تصوف فلسفی و مراحل تاریخی پیدایش آن در غرب اسلامی - تصوف از موحدان تا حفصیان:

۱-۱- زمینه های سیاسی - اجتماعی پیدایش تصوف فلسفی در مغرب و اندلس از عهد موحدین تا حفصیان :

پیدایش تصوف فلسفی، از پدیده های اواخر موحدین و اوائل دوره حفصی است که در دوره حفصی مراحل تکامل خود را طی کرد. این گرایش در اندیشه فلسفی مسلمانان در غرب جهان اسلام ریشه در اوضاع سیاسی اجتماعی مسلمانان در این منطقه داشت. این مطلب در منابع مربوط به تاریخ فلسفه کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. حجم انبوه بحث های نظری پیرامون تصوف و فلسفه که بیشترین حجم اندیشه در عرصه فرهنگ را بعد از فقه و حدیث به خود اختصاص داده بود، اجازه توجه دقیق به اقتضای وضع تاریخی حد فاصل قرن هفتم تا دهم هجری را نداده است. با این وصف علل رویکرد مسلمانان به تصوف فلسفی

ترکیبی از انگیزه‌های سیاسی و فلسفی است. عناوین مهم‌ترین زمینه‌های رویکرد مسلمین به تصوف فلسفی در آغاز دوره حفصی :

۱. آغاز پایان حضور مسلمانان در آندلس.

۲. شکست سیاست‌های مدیترانه‌ای مسلمانان و ضعف ناوگان دریایی آنها در مدیترانه.

۳. شدت گرفتن حرکت بازپس‌گیری آندلس توسط دولت‌های مسیحی.

۴. اختلاف دول مسلمان در غرب اسلامی و فروپاشی شرق جهان اسلام با سقوط بغداد.

۵. شکست الگوی مبتنی بر فلسفه محض (که ابن‌رشد ارائه داد) در سامان دادن به اوضاع فرهنگی غرب اسلامی.

۶. مسیحیان در کنار اقدامات نظامی فعالیت‌های گسترده فرهنگی جهت مسیحی کردن غرب اسلامی به‌ویژه آفریقه آغاز کرده بودند.

با توجه به زمینه‌های مزبور و ضرورت دائمی جهاد مسلحانه، دولت‌های حاکم بر غرب اسلامی دریافتند که با استفاده از الگوی مبتنی بر فلسفه محض قادر به تأمین مصالح سیاسی نظامی خود در مصادف سیاسی، فرهنگی و نظامی با مسیحیت نیستند و تنها تصوف قادر به متحد ساختن صفوف مسلمانان در مقابله با هجوم فرهنگی و نظامی مسیحیت است. در این میان فلاسفه تصمیم به ارائه مفاهیم فلسفی در غالب اندیشه‌های رمز گونه صوفیانه گرفتند و تصوف پرچمدار جهاد علیه نصاری شد. این جهاد باعث رونق تصوف و گرایش روزافزون محافل فرهنگی غرب اسلامی به اولیاء خدا و صالحین شد. گروه‌های بزرگ جهاد مردمی در جهت دفاع از سواحل مسلمانان در قالب «جهاد ساحلی» سامان یافت. از جمله موفق‌ترین آثار تصوف در مقابله با مسیحیان مقاومت مردم تونس به پرچمداری متصوفه و زهاد بزرگ در جنگ صلیبی هشتم بود که تونس را از سقوط در برابر لشکر متحد دول اروپائی نجات داد (مولف/۱۳۹۵-صص).

۲-۱ - التقاط فلسفه و تصوف و پیدایش تصوف فلسفی در عهد حفصیان :

این شکوفائی مفید تصوف در غرب اسلامی همه ابعاد فرهنگ و اندیشه در آن جا را تحت تأثیر خود قرار داد. از جمله ابعاد اندیشه که تا حد زیادی از تصوف متأثر شد و شکل و ماهیت تصوف پیدا کرد، فلسفه بود. التقاط فلسفه و تصوف از دست‌آوردهای مهم جریان اندیشه در دوره حفصی است که زمینه‌های آغازین آن توسط محی‌الدین عربی (از مهاجران آندلسی) در آفریقه سامان گرفت. «پدیده تصوف فلسفی» حاصل مهاجرت علمای آندلسی به آفریقه است و می‌توان آن را آندلسی الاصل دانست که تکامل نهائی و شکل واقعی خود را در آفریقه به‌ویژه در افکار ابن‌سبعین بدست آورد.

۳-۱ - رئوس و شاخصه‌های اصلی تصوف فلسفی و چهره‌های برجسته آن در آغاز پیدایش :

در متون تاریخی مربوط به قرن هشتم و نهم، از عنوان «تصوف فلسفی» به شکل یک اصطلاح فرهنگی در حوزه اندیشه‌های فلسفی یاد شده است. در الدرر الکامنه از احمد بن عبدالله بن محمد الازدی مراکشی (۷۳۰) پیرو مکتب محی‌الدین عربی که

کتاب «الفتوحات المکیه» او را نسخ کرده بود، به عنوان یکی از حاملین اندیشه فلسفی که به «تصوف فلسفی» گرایش پیدا کرده، یاد شده است. اشعاری توسط فلاسفه صوفی دوره حفصی سروده شد که مضامین آن حاکی از اندیشه «تصوف فلسفی» است. نمونه‌ای از این قبیل اشعار را غبرینی از تجیبی (م ۶۳۸هـ) فیلسوف و صوفی ساکن بجایه از بزرگترین مراکز فرهنگی افریقه دوره حفصی آورده است. در این غزل تجیبی مفاهیم فلسفی، وجود، قدم، عدم، وجود مطلق، وجود مقید، عقل، نفس را با مفاهیم صوفیانه حال، فقر محض، فنا آمیخته است.

و لبارینا وجود و قدم

ما لنا سوی الحال العدم

و خلیق بالبنا ان یهدم

نحن بنیان بنته حکمه

غیر من یعرف ما معنی القلم

احرف کتب الله ما یقرأها

فوجود الكل عن فیض الكرم

اشرق انفسنا من نوره

عن وجود لم یقید بعدم

یقطعانی بخیالات الفنا

در این اشعار، آمیزش تصوف با فلسفه نمایان است. قول به اشراق و فیض در آفرینش و وجود ربطی و... از مفاهیم اساسی مطرح در حوزه «تصوف فلسفی» بوده است. در سیر تاریخی، «تصوف فلسفی» در غرب اسلامی از قرن ۴هـ تا ۷هـ مراحل متعددی را پشت سر گذاشت و تکامل نهائی خود را در بجایه افریقه بدست آورد. در آغاز قرن هفتم هجری ۳ تن (سهروردی، ابن عربی، ابن سبعین (۶۶۹)) از علمای برجسته جهان اسلام دقیق‌ترین تعبیر از «تصوف فلسفی» ارائه داده‌اند (مولف/۱۳۹۵-۱۳۹۶-صص).

۴-۱- ابن سبعین بنیان‌گذار تصوف فلسفی در غرب اسلامی و تصویر ابن خلدون:

در این بین ابن سبعین را می‌توان به عنوان الگوی تمام عبار تصوف فلسفی مطرح کرد. نکته قابل توجه که فرضیه در مورد علل پیدایش تصوف فلسفی را تأیید می‌کند قضاوت ابن خلدون در مورد ابن سبعین چهره بارز تصوف فلسفی است. او از ابن سبعین به عنوان مدافع علوم عقلی و شرعی یاد کرده است. شیخ فقیه، صوفی، فیلسوف مرسی، رقوطی، آندلسی، اشیلی، قسطلانی شیخ السبعینی، غافقی، المکی، قرشی، مخزومی، علوی، هاشمی تعبیر مختلف منابع از «ابی محمد عبدالحق ابن سبعین» است. او از جمله مهاجران آندلسی بود که آندلس (محل تولد خود مرسیه) را بدلیل مخالفت شدید فقهاء و علمای مالکی، ترک کرد و مدتی در سبته بسر برد و سپس در افریقه مستقر شد و حوزه درسی فعالی به راه انداخت و اندیشه‌های اساسی خود را در مدت توقف در افریقه تدوین نمود. او کوشید بر اساس تصوف طرحی برای اتحاد نظری بین تشیع و تسنن

در غرب اسلامی بوجود آورد اما کوشش های او بی ثمر ماند و ابن سبعین در بجایه پایتخت دوم دولت حفصیان، مورد تکفیر فقهای مالکی و متکلمین آن جا قرار گرفت (مولف /۱۳۸۴-صص) و در مصر هم تکفیر شد و مورد تعقیب واقع شد (مولف /۱۳۹۷ مطالعه تحلیلی مصرو شام).

۵-۱- محی الدین عربی و ارایه مکتب کلاسیک تصوف فلسفی

ابن عربی متولد مرسیه در زمان حکومت ابویعقوب یوسف بن عبدالؤمن به دنیا آمد. او زندگی سه خلیفه موحدی را درک کرد. با توجه به مسافرتی که محی الدین به هنگام بحران جنگ های صلیبی به شامات، حجاز و بغداد کرد، نسبت به مسائل جهان اسلام نگران بود. او از بغداد نامه ای برای سلاجقه روم نوشت و آنان را به نبرد با صلیبی ها تشویق کرد. (۹۹) شاخصه چهره او نوآوری در تصوف و ارائه سازمانی پویا در این زمینه است. از صوفی مرسیه به عنوان بنیانگذار عرفان نظری نام برده اند. اما، آثار او پر از اصطلاحات فلسفی از فلاسفه یونان و عبارات متکلمان اشعری است. این نشان می دهد که اتصال فکری با این فلاسفه داشته است او از این حیث مجموعه ای مرکب از معارف کلامی است. از وجوه اهمیت او در مطالعات مربوط به مثل است. از او به عنوان واضع اصطلاح اعیان ثابت نیز یاد کرده اند. فتوحات مکیه، اثر بزرگ او پیوند معارف شرق و غرب جهان اسلام است. در سفرهایی که به سال ۵۹۸ و ۵۹۹ قمری به مشرق داشت، کتاب فتوحات را بعد از ملاحظه اوضاع آشفته جهان اسلام در شرق و غرب نوشت و در این شرایط زبان رمزی را در کتاب خود به کار گرفت. این مرحله یکی از مراحل اساسی و مهم از مراحل سری شدن فلسفه است که از قبل آغاز شده بود. گویا او در مطالب غامض فلسفی دقت تام داشته است. در انتقادی که از غزالی دارد، دقت او در مسائل فلسفه شرق روشن می شود. در بیان مراتب علم، کلام را علم اعمال فکر در قضایای دینی و علمی کم فایده و در تعیین اعتبار و ارزش عقاید بی فایده می داند. او در دسته بندی عقاید زمان خود از سه دسته عقاید با عنوان: عقیده مبتنی بر تعالیم کتاب و سنت صحیح (عقاید عامه) و عقیده علمای کلام و عقیده خاصه که متکی بر تفکر محض عقلی است، یاد کرده است (مولف /۱۳۸۳/۱۳۹۶-صص).

۲- عطار بنیانگذار تصوف فلسفی در شرق جهان اسلام :

۱-۲- استمرار تصوف فلسفی در شرق جهان اسلام بوسیله عطار:

ترکیب فلسفه و تصوف حاصل بیش از چهار صد سال تعامل و تقابل فلسفه و تصوف و کلام و حدیث و فقه در مجامع علمی مغرب و اندلس و افریقیه است. این تحولات مستمر فلسفی و کلامی سرانجام نهایی خود را آثار ابن سبعین ابن عربی بدست آورد (مولف /۱۳۸۱/۱۳۸۳/۱۳۸۴-صص). تصوف فلسفی محصول و برآیند اندیشه ها است و شکل متکامل آن در غرب اسلامی بوسیله ابن سبعین و محی الدین عربی و تجییی انجام گرفت، در شرق اسلامی نیز خراسان سرزمینی شبیه غرب اسلامی، محل برخورد اندیشه ها و مذاهب گوناگون بود، الگوی فرهنگی تصوف یکی از نتایج برخوردهای فکری در شرق جهان اسلام بوسیله عطار استمرار پیدا کرده است که در آثار عطار که در مرحله اوج تکامل زبان فارسی است، بویژه در منظومه رمزی فلسفی و تعلیمی منطق الطیر به چشم می خورد. نمونه موفق و کاملی تلفیق از عبارات و اصطلاحات و لغات عربی بویژه مفاهیم حکمی با زبان فارسی در اشعار عطار صورت گرفت. شعر نزد کسانی چون عطار و مولانا که اصحاب سکر بودند به مفهوم حد حکمت نزدیک بود (زرین کوب /۱۳۸۲- ص ۲۵۱). حجم کاربرد اصطلاحات فلسفه در آثار عطار به حدی است که مورخان تاریخ علم این پیشوای تصوف، عطار را در شمار فلاسفه جای داده اند (سارتن /۱۳۸۳، ص ۱۳۸۳).

او پیشرو مولوی در نظم مثنوی عرفانی است (مصاحب / ۱۳۷۱، ۱۷۴۱ص - کمبریج/ ۱۳۷۵، ص ۵۵۴) سیره عطار در افرینش آثار در قالب تصوف فلسفی بوسیله مولوی که متأثر از عطار بود، توسعه و گسترش پیدا کرد. او منتقد بوعلی سینا در فلسفه محض و مرید ابوسعید ابوالخیر در تصوف است (عطار - منطق الطیر ۱۷۵).

۲-۲- مفاهیم تصوف فلسفی در آثار عطار :

عطار در شرق اسلامی با وجود مخالفت با فلسفه محض که نقطه مشترک معتقدان به تصوف در شرق و غرب جهان اسلام بویژه در قرن هفتم هجری است، از مفاهیم فلسفی و معانی الهیات بالمعنی اعم استفاده کرده است و اقدام به آمیزش مفاهیم فلسفی، وجود، قدم، عدم، وجود مطلق، وجود مقید، عقل، نفس را با مفاهیم صوفیانه مانند حال، فقر محض، فنا نموده است و اصطلاحات اصلی تصوف فلسفی را در آثار خود آورده است.

او حتی در اشعار عرفانی خود در خصوص الهیات بالمعنی الاخص نیز از مفاهیم فلسفی و اعم و کلی سود برده است. او حکمت و اندیشه خود را نوعی حکمت دینی و روحانی و متمایز از فلسفه محض یونان دانسته است. در اندیشه او غلبه با تصوف است و هدف آن معرفت و کسب حقیقت و شناخت حقیقی است که فلسفه یونان از آن عاجز است (عطار - حکایت ۱۶۹).

کی شناسی دولت روحانیان در میان حکمت یونانیان

کاف کفر اینجا بحق المعرفه دوست دارم ز فای فلسفه

حکمت یثرب بست ای مرد دین خاک بر یونان فشان ای در درد دین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روزگار عطار و وضعیت سیاسی اجتماعی آن مانند اوضاع شهرهای اندلس از نزاع تشیع و تسنن و هجوم نیروهای مهاجم رنج می برد (مؤلف / ۱۳۸۳ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ - صص). نیشابور تا روزگار عطار ده ها با نزاع خونین تشیع و تسنن را تجربه کرده بود و عطار نیز در صدد الگوهای برای حفظ هویت اسلامی و اتصال و وحدت اجتماعی و فرهنگی با استفاده از تصوف بود. شک و تردید پایدار در مذهب تسنن یا تشیع بانیان تصوف فلسفی در مورد ابن سبعین (مؤلف / ۱۳۸۳) و در مورد ابن عربی (جهانگیری / ۱۳۸۳ - صص) و در مورد عطار (مصاحب/ ۱۳۸۳ - ص ۱۳۸۳) از نقاط مشترک آن ها در شرق و غرب جهان اسلام است. عده زیادی کوشیده اند آن ها را به فرقه و مذهب خود نسبت دهند (زرین کوب/ ۱۳۸۲ - ص ۹۱). گرایش بیشتر عطار به تصوف و انتقاد از فلسفه یونان از شاخصه های تصوف فلسفی است که در تصوف فلسفی به شکلی که عطار خلق کرده است، نقش فلسفه به حداقل رسیده است. بیان او به شیوه بانیان تصوف فلسفی در غرب اسلامی رمزی است. او خود را بلبل گویای اسرار دانسته است در اسرار نامه در مقالات متعدد از جمله در ۱۲ و ۴ و ۱۱۸ به بیان رمزی تصوف فلسفی اشاره کرده است (عطار - منطق الطیر حکایت ۱۴۷).

تا کی ای عطار از این حرف مجاز با سر اسرار توحید آی باز کردی

ای عطار بر عالم نثار نافه اسرار هر دم صد هزار

بسه سال پانصد و هفتاد و دوچار بسا رمزا که آن پوشیده گفتم

بده جان تا معانی را بدانی همان راز معانی را بدانی

و در دیوان واژه های هستی و نیستی و فنا و حقیقت مطلق را در قالب مفاهیم تصوف فلسفی به کار برده است. و هستی انسان را وجود ربطی و پندار دانسته است (عطار - ص ۳ دیوان).

تو نیستی و بسته پندار و هستی یای پندار و هستی تو ترا کسبرد مبتلا

ای از فنای محض پدید آمده اندر فنای محض کجا ماندت بقا

خواهی که در بنای حقیقی رسی به کل از هستی مجازی خود شو به کل فنا

در منطق الطیر به اهمیت معرفت و کسب حقیقت و عرفان در قالب تصوف فلسفی ابن سبعین اشاره کرده است و آن راه حقیقت دانسته است (- عطار - حکایت ۱۳۸).

هست دایم سلطنت در معرفت جهد کن تا حاصل اید این صفت

هر که مست عالم عرفان بود بر همه خلق جهان سلطان بود

مفهوم عدم و مفهوم فنا را در چند تمثیل در حکایت ۱۵۹ و ۱۶۰ آورده است.

هر چه داری اتشی را بر فروز تا ازار پای بر آتش بسوز

چون نماندت نیک و بد عاشق شوی پس فنای عشق را لایق شوی

و در ۱۶۱ :

گر چه گم گشتن نه کار هر کسی است در فنا گم گشتم و چون من بسیست

و در ۱۶۶ :

تا هستی در وجود و در عدم کی توانی زد در این منزل قدم

۳ - نتیجه : شکست طرح تصوف فلسفی و موفقیت محدود تصوف فلسفی در جهان اسلام:

ادبیات تصوف و ادبیات عرفانی در شکل تصوف فلسفی دست آورد های نظری محدود داشت اما در عمل نتوانست در جلوگیری از فزوپاشی جهان اسلام کمکی ارایه کند و سه وضعیت اندلسی تجربه شد . اما در زمینه مبانی فکری و نظری و توسعه فرهنگ تصوف فلسفی تا زیادی موفق بود و فرهنگ عرفانی شرق در غرب اسلامی ریشه کرد و درخت تنومند محی الدین عربی برآمد و تعمیق فلسفه و تصوف و نزدیکی و ترکیب آن دو در شرق و غرب جهان اسلام از بعد نظری ، نتیجه تاثیرات پایدار رسایل اخوان الصفا در جوامع اسلامی است . تحولات فلسفی و کلامی و عرفانی در این قالب در اندیشه های ابن سبعین و محی الدین عربی و عطار خود را نشان داد و آن چه در واقعیت جهان اسلام در شرق و غرب ان روی داد به شدت متأثر از وضعیت مشترک سیاسی اقتصادی و اجتماعی شهر ها در غرب و شرق جهان اسلام بود که تحولات اندیشه در چارچوب آن صورت گرفته است که ضرورت شکل گیری فرهنگ مسلمانان را بر اساس تصوف فلسفی را اجتناب ناپذیر می ساخت . در این شکل از اندیشه که غلبه با تصوف است ، فلسفه با درجات مختلفی در آموزهای تصوف وارد شد این پنهان شدن فلسفه در پوشش تصوف با ابن سبعین در غرب اسلامی شدت گرفت و تصویر کم رنگی از آن در آثار عطار در شرق اسلامی طلوع کرد و در آثار مولوی شکل مبسوطی پیدا کرد . این ترکیب تحول ساده ای نبود بلکه شکل خاص و پارادایمی از اندیشه و تفکر بود که جهان اسلام را فرا گرفت . تصوف فلسفی در زمینه سیاسی اجتماعی به طور نسبی موفقیت آمیز بود اما در حفظ وحدت جوامع اسلامی بویژه در اندلس و مغرب با شکست مواجه شد و شکست طرح تصوف فلسفی نقطه مشترک این جریان در بعد سیاسی اجتماعی در شرق و غرب جهان اسلام است . در شرق اسلامی اندیشه عطار و پیروان او دوره ای اساسی از توسعه تاریخ علم در زمینه عرفان و به کارگیری زبان فارسی در بیان مفاهیم دقیق عرفانی است و مرحله ای ضروری از گسترش و استمرار فرهنگ و تمدن اسلامی در شرق جهان اسلام است.

منابع :

- مصاحب ، غلامحسین - دایره المعارف فارسی - تهران امیر کبیر - ۱۳۸۳ .
- عطار - منطق الطیر - ۱ سرار نامه - الهی نامه - دیوان و...
- سارتن - جرج - تاریخ علم - انتشارات علمی و فرهنگی تهران - ۱۳۸۳.
- شهیدی پاک محمد رضا - فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد حفصیان - نشر علویون - قم - ۱۳۹۵.
- شهیدی پاک محمد رضا - دولت حفصیان - سرای کتاب - ۱۳۹۸.
- شهیدی پاک محمد رضا - فلسفه اندلسی - پیدایش تصوف فلسفی - نشر سرای کتاب - قم - .
- شهیدی پاک محمد رضا - تحولات فلسفی و کلامی عهد مرابطین - ۱۳۸۱.
- شهیدی پاک محمد رضا - تحولات فلسفی و کلامی عهد موحدین - ۱۳۸۳.
- شهیدی پاک محمد رضا - تحولات فلسفی و کلامی عهد حفصیان - فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی - واحد علوم و تحقیقات - ۱۳۸۴.
- شهیدی پاک محمد رضا - شهرهای اندلسی - نشر علویون - قم - ۱۳۹۶.
- شهیدی پاک محمد رضا - مظاهر تفکر اسلامی - قم - نشر سرای کتاب - بی تاریخ..
- شهیدی پاک محمد رضا ، تاریخ ملوک الطوائف در اندلس گردش قدرت در ایبری ۱۳۹۷.
- شهیدی پاک محمد رضا ، مطالعه تحلیلی تاریخ مصر و شام و جزیره ۱۳۹۷.
- پژوهش کمبریج تاریخ ایران - ج ۵ - امیر کبیر - ۱۳۷۵.
- جهانگیری - محسن - محیی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، دانشگاه تهران - ۱۳۸۳.
- زرین کوب - عبدالحسین - نقد ادبی - امیر کبیر - تهران - ۱۳۸۲.
- چکیده رساله های دکتری واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی - ۱۳۸۵

Philosophical sufism from Ibn Arabi. to Attar of Nishapur in west and east of Islamic territory in medieval , Development of mysticism in Al-Mohhads and Hafsids dynasty

Abstract

The phenomenon of civilization and culture Mysticism and Sufism is a socio-political process in the Islamic West and has early and late civilizational, political, military and cultural effects. This human movement flowed from the conquest of Andalusia to the first days of the fall. Mystical literature is still at the highest level of international use in the form of the mystical school of Mohi-ud-Din Arabi. Mysticism and Sufism in the world are still in the shadow of their teachings.. The first phase of the mystical teachings of the Al-Safa Brotherhood entered the Islamic West and formed the raw material of philosophy, Andalusian and Maghribi mysticism. It was formed with Shoshtari, Shazli, Ibn Sab'in, and Mohi al-Din al-Arabi. The final product of this stage, which is the common point of Islamic mysticism throughout the Islamic world, is the production of a special mental paradigm in the thought of Islamic mysticism called philosophical Sufism. This phenomenon of civilization is largely influenced by the socio-political situation of the Islamic world in the east and west, which at the same time witnessed the fall of cities in the east and west of the Islamic world due to internal conflict and foreign invasion by the Mongols and their European backers. Among the founding figures of philosophical Sufism, the names of Ibn Saba'in and Mohi-ud-Din Arabi (638-1240 AD) shine in creating the symbolic work of “ AL- FOtuhah –Al-Makyah’ and’ Fusus -Al- HHakam’in Andalusia and Attar (621-1221) and Rumi in Iran. Sufism created classical works in mysticism and philosophical Sufism such as ‘ Mantagh al-tayr’ . He is the contemporary of the creation of the complete form of philosophical Sufism in the Islamic West by Ibn Saba'in and Mohi al-Din al-Arabi. Common political, socio-religious, economic and theological is the emergence of a different spectrum of philosophical Sufism in the East and West of Islam, which has been done by researching and introducing philosophical Sufism in the Islamic world and its overview in Attar's works. It is the covenant of AL-Mohads and Hafsids since 2002, 2005. The theoretical benefit of research is the emergence of Andalusian philosophy, which is explained in the author's book with the same title, The two mystical schools of East and West of the Islamic world sought to create a mental model that preserves the identity of Islamic societies in the arena of social change by preserving Islamic thought in the face of the political and military invasion of the Far East and the Far West. Islamic civilization has remained. In this work, the identification of individuals and Arab, Iranian and Moroccan societies have been successful, but in practice they did not have much function..